



3

Vol. 10
Autumn 2025

Research Paper

Received:
2025/04/26

Revised:
2025/06/24

Accepted:
2025/06/25

Published:
2025/09/23

P.P: 159-188

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



State Studies of Contemporary Iran

Analysis and Evaluation of Anti-Sanction Measures in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (2013 - 2024) from a Neorealism Perspective

MohammadAmin Ahmadi ^{1*} | Amirreza Nemati ² | Hossein Mohammadisirt ³

Abstract

This article offers a comparative-qualitative analysis of the Islamic Republic of Iran's approach to foreign sanctions from the perspective of Neorealism. Throughout the eleven-year period from 2013 to 2024 (1392–1403 in the Iranian calendar), Iran has faced significant economic and political pressures, with successive administrations persistently striving to mitigate these challenges. By focusing on various policy measures undertaken during this decade, the study examines how Iranian policymakers employed both hard and soft power tools to respond to sanctions. The findings indicate that the governments in office during this period adopted realist strategies aimed at enhancing Iran's economic and political position, reducing international pressure, and safeguarding national security. The results suggest that over the course of the decade, Iran, through a range of strategies and approaches, was able to partially lessen the impact of sanctions. The article hypothesizes that, despite considerable similarities, substantial differences in governmental approaches led the Eleventh and Twelfth administrations to focus more on aspects of realist hedging policy, while the Thirteenth administration placed greater emphasis on balancing.

Keywords: Sanctions, Diplomacy, Foreign Policy, Governments of the Islamic Republic of Iran, Anti-Sanctions Measures.

1. Corresponding Author: Master student of Islamic Studies and Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Email: m.a.ahmadi310@gmail.com

2. Master student of Islamic Studies and Political Science, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Email: fatemeh.badrooj1994@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of International Relations, Faculty of Islamic Knowledge and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Email: mohammadisirat@isu.ac.ir

Cite this Paper: Ahmadi, MA; Nemati, AR; Mohammadisirt, H; (2025). Analysis and Evaluation of Anti-Sanction Measures in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (2013 - 2024) from a Neorealism Perspective. *State Studies of Contemporary Iran*, 3(10), 159–188.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



تحلیل و ارزیابی تدابیر ضد تحریمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲ - ۱۴۰۳) از منظر نظریه نوواقعگرایی

محمدامین احمدی^{۱*} | امیررضا نعمتی^۲ | حسین محمدی سیرت^۳

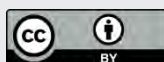
چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی-کیفی نحوه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با تحریم‌های خارجی از منظر نظریه نوواقع‌گرایی (Neorealism) می‌پردازد. در دوره یازده ساله ۱۳۹۲-۱۴۰۳، ایران تحت فشارهای اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای قرار داشته و دولت‌های مستقر، به‌طور مداوم در تلاش بوده‌اند تا با این تحریم‌ها مقابله کنند. پرسش اصلی مقاله این است که اقدامات انجام‌شده تا چه میزان با نقطه‌نظرات نظریه واقع‌گرایی همخوانی دارد و وجوه اشتراک و افتراق عملکرد دولت‌ها مبتنی بر نظریه واقع‌گرایی در چه نقاط و نکاتی متمرکز می‌شود؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که هر سه دولت بر سرکار این مقطع زمانی، با اتخاذ رویکردهای مشترک واقع‌گرایانه اما با استراتژی‌های مختلف و از طرق گوناگون، تلاش کرده‌اند تا از طریق تقویت موقعیت اقتصادی و سیاسی ایران، فشارهای بین‌المللی را کاهش دهند، امنیت ملی کشور را حفظ کنند و به این شکل از فشارهای تحریمی بکاهند. فرضیه این مقاله این است که به رغم وجود شباهت‌های قابل توجه، تفاوت‌های جدی در رویکردهای دولت‌ها سبب شده تا دولت‌های یازدهم و دوازدهم بیشتر تدابیر خود را بر ابعاد واقع‌گرایی مصون‌سازی (Hedging) متمرکز کنند و دولت سیزدهم تأکید بیشتری بر امر موازنه قوا (Balancing) داشته باشد. کلیدواژه‌ها: تحریم، نظریه نوواقع‌گرایی، دولت‌های جمهوری اسلامی ایران، تدابیر ضدتحریمی.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
Email: m.a.ahmadi310@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
Email: sh.amirreza.n.p@gmail.com
۳. استادیار، گروه روابط بین الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
Email: mohammadisirat@isu.ac.ir

استناد: احمدی، محمدامین؛ نعمتی، امیررضا؛ محمدی سیرت، حسین؛ (۱۴۰۴). تحلیل و ارزیابی تدابیر ضد تحریمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲ - ۱۴۰۳) از منظر نظریه نوواقعگرایی، *دولت پژوهی ایران معاصر*، ۳(۱۰)، ۱۵۹-۱۸۸.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسنده گان



این مقاله تحت لسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی قدرت‌های بزرگ برای اعمال فشار و تغییر رفتار دولت‌ها در نظام بین‌المللی شناخته می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، به‌طور مداوم با تحریم‌های گوناگونی مواجه بوده است. این تحریم‌ها به‌ویژه در دهه‌های اخیر، به شکلی گسترده‌تر و مؤثرتر اعمال شده و تلاش کرده‌اند تا ایران را از دستیابی به اهداف راهبردی خود بازدارند. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳، ایران تحت رهبری سه دولت مختلف (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) تلاش‌های متعددی برای مقابله با این تحریم‌ها انجام داده است. دولت‌های یازدهم و دوازدهم به ریاست جمهوری حسن روحانی بر مبنای تئوری «تعامل سازنده» تلاش کرد تا بخشی از تحریم‌های اقتصادی را رفع کند. با این حال، خروج ایالات متحده از برجام و بازگشت تحریم‌ها در دولت دوازدهم، این سیاست را با چالش‌های جدی مواجه کرد و دولت مجبور شد به سمت رویکردهای دیگر از جمله توسعه روابط استراتژیک با قدرت‌های غیرغربی حرکت کند. در این میان، دولت سیزدهم با مدیریت سید ابراهیم رئیسی سیاست‌های دیگری را در پیش گرفت و در راستای کاهش وابستگی به اقتصاد جهانی و افزایش تعاملات با کشورهای همسوس، به دنبال یافتن راهکارهایی برای خنثی‌سازی و کاهش اثرات تحریم‌ها بود. به‌کارگیری این رویکردها، به ایران کمک کرد تا در مقابل فشارهای خارجی مقاومت کند و امنیت ملی خود را حفظ کند؛ راهکارهایی که البته به صورت دسته‌بندی و ساده‌سازی شده اما با یک نگاه نسبتاً جامع در ادامه مقاله تشریح می‌گردد. در این مقاله، تلاش می‌شود تا با تحلیل تدابیر ضدتحریمی دولت‌های برسرکار جمهوری اسلامی ایران در این مقطع زمانی، به درک بهتری از سیاستها و تدابیر اتخاذشده برای مواجهه با مسئله تحریم دست یابیم. هدف اصلی پژوهش حول محور این مسئله است که این تدابیر و راهکارهای اتخاذشده تا چه میزان با نظریه واقع‌گرایی از نظریات جریان اصلی دانش روابط بین‌الملل انطباق دارد. به عبارت دیگر این پژوهش در صدد است تا با تحلیل عملکرد دولت‌های بازه زمانی مشخص شده و انطباق سیاست‌ها و کنش‌های عملی این دولت‌ها با نکات و محتوای نظری واقع‌گرایی، کانون‌های اشتراک و وجوه افتراق عملکردی خود این دولت‌ها نسبت به هم و به‌طور خاص نسبت به چارچوب‌ها و نکات نظریه

واقع گرایی را مشخص کند. بدین ترتیب پرسش اصلی مقاله این است که اقدامات انجام شده سه دولت مدنظر تا چه میزان با نقطه نظرات نظریه واقع گرایی همخوانی دارد و وجوه اشتراک و افتراق عملکرد دولتها مبتنی بر نظریه واقع گرایی در چه محورها و کانون‌هایی متمرکز می‌شود؟ این پژوهش از این حیث اهمیت و ضرورت دارد که با تطبیق عملکرد سه دولت اخیر جمهوری اسلامی ایران بر یکی از نظریات برجسته دانش روابط بین الملل امکان ارزیابی علمی عملکرد این دولتها فراهم می‌شود و ابعاد فعالیت‌های منطبق و غیرمنطبق این دولتها با نظریه نواقع گرایی را آشکار می‌سازد. علاوه بر این مهم، این مقاله امکان مقایسه و به تعبیری ارزیابی عملکرد خود این دولتها را نیز میسر می‌کند که از این جهت امکان شناسایی کانون‌های شباهت و تفاوت این سه دولت با یکدیگر نیز فراهم می‌گردد.

پیشینه پژوهش

موضوع تحریم در جمهوری اسلامی ایران به دلیل اهمیت نظری و کاربردی که دارد، موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است.

شهریاری (۱۴۰۲) به مسئله خودتحریمی و تاثیر نهادگرایی بر تحریم پرداخته است. از نظر او دولت در ایران پس از انقلاب دو دسته کارویژه‌های توسعه‌ای و فراسرزمینی بر عهده داشته است که در نتیجه غلبه کارویژه‌های فراسرزمینی بر کارویژه‌های توسعه‌ای دولت، طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها علیه ایران شکل گرفته که پیامد آن درون‌گرایی اقتصادی است.

ساعی (۱۳۹۷) به تحریم‌های نفتی ایران و نقش اتحادیه اروپا رجوع نموده است و تاثیر و تاثر این تحریم‌ها بر ایران و اتحادیه اروپا را بررسی نموده و فراتر از منطقه اروپا را بررسی نکرده است. ایشان با معرفی و بررسی تحریم‌های نفتی اروپایی در جست‌وجو آثار این تحریم‌ها بوده است.

سلیمانی (۱۴۰۳) که به موضوع آثار تحریم‌های اقتصادی بر فعالیت تولید کالاهای اساسی و نتیجه‌گایی آن بر جامعه پرداخته است. وی در این اثر به دنبال این است که با بررسی قبل و بعد اعمال تحریم‌ها بر صنایع بزرگ نتایج و آثار حاصل از تحریم بر این صنایع را شناسایی کند.

Karamelikli (2021) در مقاله خود با عنوان *The Impact of Sanctions Imposed by the European Union against Iran on their Bilateral Trade: General versus*

Targeted Sanctions موضوع تأثیر تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران را در زیر ذره‌بین قرار داده و به طور کلی آثار تحریم‌های غیرآمریکایی را مدنظر گرفته و واکنش جمهوری اسلامی ایران در مقابل این تحریم‌ها را بررسی کرده است.

Rasoulinezhad and Kirilkina (2023) نیز در اثر خود با عنوان The Effects of Western Sanctions on Iranian and Russian Energy Economics: Evidence from Scenario Planning Method آثار تحریم‌های آمریکایی بر اقتصاد انرژی ایران و روسیه را بررسی کرده‌اند و به تفاوت‌های آثار تحریم‌ها بر ایران و روسیه پرداخته‌اند. ایشان در نهایت با سناریوهای آینده تحولات مرتبط به اقتصاد انرژی ایران و روسیه را سناریونویسی کرده‌اند.

فرهادی (۱۴۰۰) و علوی‌نیا و قاسم‌زاده (۱۴۰۰) نیز مسئله مواجهه با تحریم را از منظر رهنمودهای رهبر انقلاب در حوزه اقتصادی بررسی نموده‌اند. نویسندگان این آثار با بررسی آرا و دستورالعمل‌های رهبر انقلاب در مسئله تحریم همچون برنامه اقتصاد مقاومتی، نتایج و دستاوردهای حاصل از اعمال این طرح‌ها را بررسی کرده‌اند.

ترابی‌فرد و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «ابتکار راهبردی ایران؛ جانمایی جدید و بازتعریف نقش ایران در اقتصاد جهان؛ ۱. خنثی‌سازی تحریم به چه معناست؟» به خنثی‌سازی تحریم را نقشه راه جدید جمهوری اسلامی ایران در مسئله دیپلماسی اقتصادی پرداخته‌اند و گزینه‌های موجود برای خنثی‌سازی تحریم را بررسی کرده است.

با تأمل در منابع بالا مشخص می‌شود که عموم نویسندگان به بررسی کلیت موضوع تحریم و آثار آن تفتن داشته‌اند اما در خصوص تدابیر عملی دولت‌های ایران به خصوص در دوره‌ای که فشار تحریم به صورت مشخص احساس شد، بررسی دقیقی نداشته‌اند یا به صورت کلی به این حوزه ورود نکرده‌اند. بر این اساس مقاله حاضر سعی دارد این خلاء موضوعی پیرامون فعالیت دولت‌های ایران در این دوره زمانی را تا حدودی پر نماید. وجه تمیز نوشتار حاضر آن است که مؤلف با رویکردی تطبیقی به موضوع نگرسته؛ یعنی با تطبیق اقدامات دولت‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران آن بر نظریه نواقع‌گرایی اقدام به احصاء علمی تدابیر نموده است که از حیث چارچوب نظری، هدف و موضوع دارای نوآوری می‌باشد.

مبانی مفهومی-نظری

واقع‌گرایی^۱ از مهم‌ترین، مطرح‌ترین و ماندگارترین نظریه‌های روابط بین‌الملل است که جاذبه تقریباً بی‌بدیل آن به دلیل نزدیکی‌اش با عملکرد سیاستمداران در عرصه بین‌الملل و همچنین نزدیکی آن به فهم متعارف از سیاست بین‌الملل است. «واقع‌گرایی بر این باور است که قدرت، هدف نهایی دولت‌ها در نظام بین‌المللی است و رفتار آن‌ها به‌طور عمده توسط ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل تعیین می‌شود. در چنین محیطی، دولت‌ها نمی‌توانند به‌طور کامل به دیگران اعتماد کنند و به‌همین دلیل، به‌دنبال افزایش توانمندی‌های خود برای تضمین بقای خویش هستند.» (میرفخرائی به نقل از جان مرشایمر، ۲۰۰۱: ۴۶)

به صورت کلی واقع‌گرایان بر ۴ اصل اساسی در روابط بین‌الملل پایبند هستند که عبارت است از:

۱. **موازنه قوا** «به‌عنوان یک ویژگی اساسی نظام بین‌الملل آنارشیک» (میرفخرائی به نقل از والتز، ۱۳۹۵: ۵۲).
 ۲. **قدرت** «هسته اصلی سیاست بین‌الملل؛ دولت‌ها به‌دنبال افزایش قدرت خود هستند تا بتوانند امنیت ملی را تضمین کنند و در برابر تهدیدات خارجی مقاومت نمایند (مورگنتا، ۱۹۴۸: ۱۱)».
 ۳. **آنارشی** «وضعیت بی‌نظمی در نظام بین‌الملل که در آن دولت‌ها بدون وجود یک نهاد جهانی حاکم، برای حفظ امنیت و بقای خود تلاش می‌کنند» (والت، ۱۹۸۷: ۵).
 ۴. **دولت‌ها** که «بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل هستند» (والت، ۱۹۸۷: ۵).
- به مرور زمان واقع‌گرایان انتقاداتی را از درون این مکتب مطرح کردند و به نواقح گرایان معروف شدند. در واقع آنها قائل به اهمیت ساختار می‌شوند و علت وقایع را صرفاً در سطح دولت‌ها جستجو نمی‌کنند. والتز به‌عنوان مهم‌ترین اندیشمند نواقح‌گرایی، در تبیین ساختار نظام بین‌الملل آن را مجموعه‌ای از سه رکن دولت‌ها، آنارشی، و توزیع توانایی‌ها می‌داند و در تلاش است نشان دهد نقش توانایی‌های دولت‌ها نقشی محوری در انتخاب‌های دولت‌ها دارد (بیگدلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۸۴).

1. Realism

ساختارگرایی والتزی تلاش می‌کند تا تاثیر آنارشی و توزیع قابلیت‌ها را برجسته کند. نظریه نئورئالیسم کنت والتزی یکی از جامع‌ترین و تأثیرگذارترین چارچوب‌های نظری در روابط بین‌الملل است که می‌تواند به خوبی برای تحلیل رفتار دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تحریم‌های خارجی در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ به کار گرفته شود. والتز بر این باور است که نظام بین‌الملل ذاتاً آنارشیک است و در این نظام، هیچ مرجع بالاتری برای تضمین امنیت دولت‌ها وجود ندارد. در چنین شرایطی، دولت‌ها به عنوان واحدهای اصلی این نظام، همواره به دنبال حفظ بقا و امنیت خود هستند و سیاست‌های خارجی‌شان بر اساس منطق خودیاری و توازن قدرت شکل می‌گیرد (مشیرزاده به نقل از والتز، ۱۳۸۴: ۱۰۸-۱۲۲).

نئورئالیسم و سیاست خارجی ایران

از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین شباهت‌های عملگری سیاست‌گذاران در این دوره زمانی در مواجهه با تحریم‌های خارجی، عملکرد مطابق با اصول نئورئالیسم می‌باشد. دلیل این ادعا این است که فشارهای بی‌رحمانه و همه‌جانبه‌ای که از بدو انقلاب به دولت‌های بر سر کار وارد شد منطق و نظام فکری حاکم بر دولت‌ها را رفته‌رفته به منطق واقع‌گرایی نزدیک کرد؛ چرا که تهدیداتی که دولت‌ها را به طور وجودی تهدید می‌کرد ماهیت آنارشیک نظام روابط و ذات قدرت بنیاد آن را به وضوح بر متصدیان امر عیان می‌کرد و لاجرم حساب و کتاب در بستر منطق حفظ بقا را در نظام محاسباتی سیاستمداران جمهوری اسلامی نهادینه کرد (اسفندیاری و جمشیدی، ۱۳۹۴: ۴۰). همین مسئله سبب شد که عمل و کنشگری مبتنی بر واقعیات، به صورت ضمنی در ساختار محاسباتی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران وارد شود که این اشتراک مبانی رفتاری-نظری، دولت‌ها را از این حیث به هم شبیه می‌کند (شیرودی و مکرمی پور، ۱۴۰۲: ۵۴). با این وجود، در این مقطع زمانی دولت‌های جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های متعدد و گوناگونی را برای حل مسئله تحریم به کار بستند و در زمینه‌های متعددی همچون خنثی‌سازی تحریم، مذاکرات رفع تحریم، سیاست‌های دور زدن تحریم‌ها، ایجاد باشگاه تحریمی‌ها، موازنه‌سازی برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها، انعقاد پیمان‌ها و قراردادهای عضویت در سازمان‌های اقتصادی موثر و.. کنشگری جدی کردند.

تحریم

تحریم‌ها که در دو دهه گذشته به مثابه ابزار اصلی اعمال فشار ایالات متحده آمریکا، به عنوان یکی از اصلی‌ترین دشمنان نظام سیاسی ایران (پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵) محسوب می‌شوند و تاثیرات شگرفی بر اقتصاد و سیاست ایران داشته‌اند، غالباً دارای ساختارهای پیچیده‌ای بوده و نیازمند تامل و تحقیق بیشتری می‌باشند.

چیستی تحریم و انواع آن

تحریم‌ها^۱، به عنوان ابزارهایی برای اعمال فشار و محدود کردن قدرت و توانایی‌های یک کشور در صحنه بین‌المللی به کار می‌روند. تحریم‌ها می‌توانند در شکل‌های مختلف اقتصادی، نظامی و سیاسی اعمال شوند. از آنجایی که شاخه‌های تحریم‌های فوق‌الذکر بسیار موسع هستند و نیاز به توضیحات گسترده دارند و نیز اینکه در مورد جمهوری اسلامی، تحریم‌های اقتصادی به شکل بین‌الادّهانی از اهمیت بیشتری در اقتصاد و سیاست برخوردارند، در این مقاله فقط به توضیح و دسته‌بندی تحریم‌های اقتصادی پرداخته شده است. تحریم‌های اقتصادی عمدتاً از دو طریق اعمال می‌شوند: تحریم‌های تجاری و تحریم‌های مالی. تحریم‌های تجاری شامل محدود کردن یا قطع کردن انواع روابط واردات و صادرات است، به عبارت دیگر، امتناع از خرید یا فروش به کشور هدف. کشورهایی که اقدام به تحریم تجاری علیه کشوری می‌کنند، توافق می‌کنند که از خرید کالاهای صادراتی آن کشور خودداری کنند و از فروش کالاها و خدمات نیز جلوگیری نمایند. در برخی موارد، حتی یک قدم فراتر رفته و تحریم سرمایه‌گذاری را نیز علیه کشور متخلف اعمال می‌کنند. (ترکی و مظاهری، ۱۴۰۱: ۷۳) تحریم‌های مالی با اعمال محدودیت‌ها و فشار بر روابط مالی کشور هدف همراه است. این محدودیت‌ها شامل سرمایه‌گذاری، جریان سرمایه، تأمین مالی و معاملات مالی می‌شود. برای مثال، ممکن است از سرمایه‌گذاری کشور هدف در دیگر کشورها جلوگیری شود یا مانع سرمایه‌گذاری دیگر کشورها در آن شوند. همچنین می‌توان به فروش دارایی‌های موجود در کشور هدف اشاره کرد. هدف تحریم‌های اقتصادی این است که کشور متخلف را به هر طریقی از شرکت در معاملات بین‌المللی محروم کند.

1. Sanction

تاریخچه روند اعمال تحریم‌ها

بررسی تاریخچه روند تحریم‌های ایران نشان از آن دارد که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز روند تحریم‌ها همواره برقرار بوده و اعمال تحریم علیه ایران همواره در دستور کار آمریکا و متحدان آن بوده است. با این حال وقوع نقاط عطفی در سیر اعمال این تحریم‌ها امکان دسته بندی آنها را به لحاظ زمانی فراهم می‌آورد.

تحریم‌های اولیه (۱۹۷۹-۱۹۹۵)

تحریم‌های اولیه علیه ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و بحران گروگان‌گیری در سفارت آمریکا در تهران آغاز شد. ایالات متحده به منظور واکنش به این بحران، تحریم‌های شدیدی را اعمال کرد که شامل مصادره و مسدود کردن ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکایی بود (مرتضوی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۳). این تحریم‌ها همچنین شامل قطع روابط دیپلماتیک و ممنوعیت فروش تسلیحات به ایران می‌شد. در تاریخ ۷ آوریل ۱۹۸۰ جیمی کارتر با صدور دستور ویژه شماره (۱۲۲۰۵)، فروش و عرضه‌ی هرگونه کالا و خدمات، به‌جز مواد غذایی و دارویی، به ایران را ممنوع کرد. براساس دستور ویژه (۱۲۲۱۱) به تاریخ ۱۷ آوریل ۱۹۸۰، وارد نمودن هرگونه کالا از ایران نیز ممنوع شد. این دستورات هم با استناد به قانون (IEEPA) صادر شد. پس از پایان داستان گروگان‌گیری در روزهای پایانی ریاست جمهوری کارتر، وی با صدور ۱۰ دستور ویژه تمام تحریم‌ها برضد ایران را لغو کرد اما دولت بعدی (ریگان) در عمل فقط ممنوعیت مربوط به صادرات و واردات را اجرا نمود و به بهانه‌های مختلف از آزاد کردن اموال ایران پفره رفت. در ادامه‌ی تحریم‌های اعمال شده از سوی آمریکا، بار دیگر در سال ۱۹۸۴ م. آمریکا صادرات برخی از مواد شیمیایی را به ایران ممنوع کرد. ممنوعیت برخی از مواد شیمیایی بعد از ماجرای ایران-کنترا در سال ۱۹۸۷ م. به ۱۵۰ نوع کالا که دارای کاربرد نظامی نیز بودند، گسترش یافت. همچنین در تاریخ ۶ نوامبر سال ۱۹۸۷ م. نمایندگان کنگره در واکنش به خریدهای نفت اداره انرژی آمریکا از ایران، لایحه‌ای به مجلس برده و با تصویب آن واردات نفت از ایران را ممنوع کردند.

در سال ۱۹۹۵، کنگره مجلس آمریکا با تصویب قانون ایلسا^۱ هر شرکتی را که با جمهوری اسلامی ایران تجارتی بیش از ۲۰ میلیون دلار داشت، را تهدید به اعمال تحریم کرد. طبق این قانون که به «داماتو» معروف شد، شرکت‌های غیرآمریکایی که در بخش نفت و گاز لیبی و ایران سرمایه‌گذاری کنند نیز، مجازات خواهند شد (هاتفی، ۱۳۹۵: ۶۸).

تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای (۱۹۹۵-۲۰۱۵)

تحریم‌های جدیدتر علیه ایران از اوایل دهه ۱۹۹۰ به دلیل نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران آغاز شد. در سال ۱۹۹۵، ایالات متحده تحریم‌های تجاری و سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را بر صنعت نفت و گاز ایران اعمال کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی در صنعت نفت و گاز ایران و محدودیت‌های شدید در تجارت نفتی بود (مرتضوی و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۱).

ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م، جمهوری اسلامی ایران را کشور «دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و برهم زنده‌ی صلح و ثبات بین‌المللی» معرفی کرد و تمام تلاش خود را جهت ناکامی ایران در اجرای فعالیت‌های هسته‌ای و ارجاع پرونده‌ی ایران به شورای امنیت به کار گرفت. در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد چندین قطعنامه تحریمی علیه ایران تصویب کرد. در سال ۲۰۱۲، اتحادیه اروپا تحریم‌های شدیدی شامل ممنوعیت خرید نفت ایران و محدودیت‌های بانکی را اعمال کرد (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۱).

قطعنامه‌ی (۱۷۳۷) که در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، به تصویب اعضای شورای امنیت رسید، در عمل ایران را به فصل ۷ و ماده‌ی ۴۱ منشور ملل متحد کشاند. این قطعنامه دارایی‌های برخی مؤسسه‌ها و افراد مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران در خارج از کشور را مسدود نمود. در ۲۴ مارس ۲۰۰۷، قطعنامه‌ی (۱۷۴۷) به تصویب شورای امنیت رسید و بر اساس آن ضمن مسدود نمودن دارایی‌های ۲۸ فرد و نهاد ایرانی مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای ایران و جلوگیری از صادرات تسلیحاتی ایران، تحریم‌های تنبیهی جدیدی را نیز بر ضد تهران وضع کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۰۱). قطعنامه‌های (۱۸۰۳) در سال ۲۰۰۸ و (۱۹۲۹) در سال ۲۰۱۰ نیز در این بازه زمانی در شورای امنیت به امضا

1. Iran and Libya Sanctions Act of 1996

رسید که فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران را از طریق تحریم‌های حوزه انرژی، نقل و انتقالات مالی، هسته‌ای و تسلیحاتی افزایش داد.

توافق برجام و کاهش تحریم‌ها (۲۰۱۵-۲۰۱۸)

در سال ۲۰۱۵، ایران و گروه ۵+۱ (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) به توافق هسته‌ای برجام دست یافتند. این توافق منجر به کاهش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران شد. بر اساس این توافق، ایران موافقت کرد که بخش‌های حساس برنامه هسته‌ای خود را محدود کند و در مقابل، تحریم‌های اقتصادی و مالی بین‌المللی علیه ایران کاهش یابد. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز برای اولین بار در تاریخ شورای امنیت حقوق یک دولت فاقد سلاح اتمی عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در چرخه سوخت اتمی را تایید کرد. از نکات قابل توجه این مصوبه لغو یکباره شش قطعنامه پیشین شورا است. بر این اساس قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و سختگیرانه‌ترین قطعنامه ذیل ماده ۴۱ تاریخ شورای امنیت یعنی قطعنامه ۱۹۲۹ در اقدام بی‌سابقه دیگری در تاریخ شورای امنیت، با قطعنامه ۲۲۳۱ ملغی شده است. اما امضا برجام به معنای عدم اعمال تحریم جدید از سوی آمریکا نبود و این کشور در ۲ آگوست ۲۰۱۷ قانون «مقابله با مخالفان آمریکا از طریق تحریم‌ها» (کاتسا) را تصویب کرد (سلیمانی، ۱۴۰۲: ۳۳). این تحریم‌ها دربرگیرنده برنامه موشکی ایران، سپاه پاسداران، افراد حقیقی و حقوقی بود که بخشی از آن به بهانه برقراری امنیت و مبارزه با تروریسم اعمال شده بود (چیت‌سازان، ۱۳۹۶: ۴۹).

خروج آمریکا از برجام و تحریم‌های دوباره (۲۰۱۸-۲۰۲۰)

در سال ۲۰۱۸، دولت دونالد ترامپ از توافق برجام خارج شد و تحریم‌های شدیدی را علیه ایران اعمال کرد. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های سخت‌گیرانه در صادرات نفت، دسترسی به سیستم مالی بین‌المللی و تحریم‌های بانکی بود (بیات، ۱۴۰۱: ۱۳۱). دستور اجرایی ۱۳۸۴۶، دستوری اجرایی بود که ترامپ بعد از خروج آمریکا از برجام آن را صادر کرد. براساس این دستور اجرایی تمام تحریم‌های تخفیف داده شده در برجام و قوانین و دستورات اجرایی مرتبط با آن مجدداً بر ایران اعمال شد. بر این اساس، قانون NDAA2012 یا اختیارات دفاع ملی برای سال

مالی ۲۰۱۲ مجدداً علیه ایران به اجرا گذاشته شد و بانک مرکزی ایران در لیست تحریم قرار گرفت. علاوه بر این هر بانک و موسسه خارجی که تراکنش مستقیم یا غیرمستقیم با بانک مرکزی ایران داشت شامل تحریم شد. دستورات اجرایی ۱۳۸۷۶ و ۱۳۹۰۲ نیز در این سال‌ها اعمال شد که دربرگیرنده تحریم‌های باقی‌مانده اقتصاد ایران و تحریم اشخاص حقیقی بود (ترابی، ۱۳۹۹: ۵۸).

تحریم‌های دوره دولت سید ابراهیم رئیسی (۲۰۲۱-۲۰۲۴)

با آغاز به کار دولت سید ابراهیم رئیسی در سال ۱۴۰۰، سیاست‌های اقتصادی و خارجی ایران با هدف کاهش اثرات تحریم‌ها ادامه یافت اما وضع تحریم‌های جدیدتر دولت را با چالش‌های جدیدی مواجه نمود.

- **صنعت نفت و پتروشیمی ایران:** ایالات متحده تعدادی از شرکت‌ها و کشتی‌های مرتبط با صادرات نفت و پتروشیمی ایران را به دلیل نقض تحریم‌ها هدف قرار داد. این تحریم‌ها شامل توقیف دارایی‌ها و محدودیت در نقل و انتقال محصولات انرژی ایران بوده است.
 - **برنامه موشکی و پهپادی:** وزارت خزانه‌داری و وزارت امور خارجه آمریکا افراد و نهادهای مرتبط با انتقال پهپادها و موشک‌های بالستیک ایران به گروه‌های منطقه‌ای یا روسیه برای حمله به اوکراین را در لیست تحریم قرار داد.
 - **قانون مهسا:** در چارچوب این قانون که با نام HR589 شناخته می‌شود و در مجلس نمایندگان آمریکا تصویب شد و به امضا جو بایدن رسید، مقامات ارشد جمهوری اسلامی، از جمله رهبر و رئیس‌جمهور، به دلیل نقض حقوق بشر مورد تحریم قرار گرفتند (شاحیدر و دشتی، ۱۴۰۱: ۹).
 - **تحریم ثانویه:** این تحریم‌ها علیه مؤسسات مالی و بندرهای خارجی که در معاملات نفتی با ایران مشارکت دارند، اعمال شده است، به‌ویژه هدف قرار دادن شرکت‌های چینی که خریدار اصلی نفت ایران هستند.
- در جدول زیر به طور اجمالی تنها تحریم‌های آمریکایی که بر علیه ایران به تصویب رسیده‌اند را به طور اجمالی ملاحظه می‌فرمایید. ناظر به ذکر است که ایالات متحده آمریکا تنها کشور

تحریم کننده ایران نیست و لیست بلندبالایی از کشورها و سازمان‌های نظام روابط بین‌الملل در تحریم ایران مشارکت داشته‌اند.

جدول ۱. لیست تحریم‌های آمریکایی علیه دولت ایران به تفکیک روسای جمهور

شماره فرمان	تاریخ صدور	صادرکننده	عنوان فرمان
۱۲۱۷۰	۱۴ نوامبر ۱۹۷۹	جیمی کارتر	مسدود کردن دارایی‌های دولت ایران
۱۲۲۰۵	۱۷ آوریل ۱۹۸۰	جیمی کارتر	ممنوعیت معامله با ایران
۱۲۲۱۱	۱۷ آوریل ۱۹۸۰	جیمی کارتر	ممنوعیت مضاعف درباره معاملات با ایران
۱۲۲۷۶	۲۳ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	عادی کردن روابط
۱۲۲۷۷	۲۳ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	دستورالعمل انتقال اموال ایران
۱۲۲۷۸	۲۳ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	"
۱۲۲۷۹	۲۳ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	"
۱۲۲۸۰	۲۳ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	"
۱۲۲۸۱	۳۲ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	"
۱۲۲۸۲	۲۳ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	ادامه ممنوعیت معامله با ایران
۱۲۲۸۳	۲۳ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	عدم پیگیری ادعای سفارت
۱۲۲۸۴	۲۳ ژانویه ۱۹۸۱	جیمی کارتر	محدودیت انتقال اموال شاه سابق ایران
۱۲۲۹۴	۲۶ فوریه ۱۹۸۱	رونالد	لغو دعوای قضایی

شماره فرمان	تاریخ صدور	صادرکننده	عنوان فرمان
		ریگان	
۱۲۶۱۳	۳۰ اکتبر ۱۹۸۷	رونالد ریگان	ممنوعیت واردات
۱۲۹۵۷	۶ مه ۱۹۹۵	بیل کلینتون	ممنوعیت معامله با شرکتها
۱۲۹۵۹	۷ مه ۱۹۹۵	بیل کلینتون	ممنوعیت معامله با ایران
۱۳۰۵۹	۱۹ اوت ۱۹۹۷	بیل کلینتون	ممنوعیت معاملات خاص
۱۳۳۸۲	۱ ژوئیه ۲۰۰۵	جورج بوش	مسدودیت مالکیت تسلیحات
۱۳۵۵۳	۲۸ سپتامبر ۲۰۱۰	باراک اوباما	مسدودیت دارای افراد
۱۳۵۵۳	۵ فوریه ۲۰۱۲	باراک اوباما	مسدودیت نهادهای مالی
۱۳۶۰۶	۲۲ آوریل ۲۰۱۲	باراک اوباما	مسدود کردن مستغلات
۱۳۶۰۸	۱ می ۲۰۱۲	باراک اوباما	ممنوعیت معامله با ایران
۱۳۷۱۶	۱۶ ژانویه ۲۰۱۶	دونالد ترامپ	خروج از برجام
۱۳۸۴۶	۶ اوت ۲۰۱۸	دونالد ترامپ	تحریم علیه ایران

تدابیر دولت‌ها

پرواضح است که دولت‌ها (به منزله کنشگر اصلی ساختار اجرایی کشور) فارغ از تمامی مسائل داخلی و خط مشی‌های سیاسی تمامی تلاش خود را برای برطرف کردن مسائل و مشکلات خود و ارائه عملکردی قابل دفاع به کار می‌برند؛ بنابراین در راه به جا گذاشتن کارنامه‌ای مناسب از اغلب ابزارهای خود استفاده می‌کنند و می‌کوشند با فعال کردن تمامی راه‌حل‌های ممکن چالش خود را مرتفع سازند. مسئله تحریم در جمهوری اسلامی ایران از آن دست مسائلی است که تقریباً تمامی

دولت‌ها با آن درگیر بوده‌اند و به جهت فراگیری و تاثیرات بسیار بالای آن، نحوه پاسخگویی به این مسئله از مهم‌ترین اقدامات دولت‌های بعد از انقلاب می‌باشد. با توجه به وجود این چالش موثر، به نظر می‌رسد دولت‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم نیز تمامی اقدامات لازم برای رفع مسئله تحریم‌ها را مدنظر قرار می‌دادند و بنابراین هر سه دولت کوشیدند با در نظر گرفتن تمامی گزینه‌های موجود، از ابزارهای خود استفاده کنند تا مسئله تحریم را رفع و حل و فصل کنند.

با این حال به نظر می‌رسد که ارزیابی تدابیر دولت‌ها در تمامی انبوه کنش‌ها و سیاستگذاری‌های دارای اثر بر مسئله رفع تحریم میسر نباشد و ما ناگزیر از تعریف مقیاسی برای احصای سیاست‌های اصلی دولت‌های وقت هستیم. به نظر می‌رسد بهترین معیار برای شناسایی تدابیر اصلی، ارزیابی مهم‌ترین و برجسته‌ترین دستاوردها و سیاست‌های اعلامی خود دولت‌هاست. علت این است که دولت‌ها از بین انبوه گزینه‌ها و سناریوهای موجود، تمرکز محوری خود را بر تعداد محدودی از سناریوها محدود می‌کنند و تمامی تلاش و یا حداقل بخش اعظم توان خود را در راه به ثمر رساندن آن گزینه‌ها به کار می‌برند و طبعاً در ادامه مسیر در راه رسیدن به آن گزینه‌های اصلی برای رفع تحریم به دستاوردهایی می‌رسند. به عبارت دیگر درست است که دولت‌ها گزینه‌های متعددی را پیش روی خود می‌بینند و در راه رسیدن به هدف حل مسئله تحریم، از اغلب ابزارهای خود کم و بیش استفاده می‌کنند اما در نهایت این تمرکز محوری و سناریوی انتخابی خود دولت‌ها و بررسی اهمیت و وزن گزینه‌های انتخابی و نیز بررسی عملکرد دولت‌ها در راه تحقق گزینه‌های انتخابی است که می‌تواند معیار یافتن تدابیر اصلی دولت‌ها قرار گیرد.

تدابیر دولت‌های یازدهم و دوازدهم

با روی کار آمدن حسن روحانی در سال ۱۳۹۲، سیاست‌های دولت ایران به سمت دیپلماسی فعال و مذاکرات بین‌المللی تغییر کرد. یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت روحانی، آغاز مذاکرات با گروه ۵+۱ (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) بود که منجر به توافق هسته‌ای برجام در سال ۱۳۹۴ شد. دولت در این برهه زمانی مهم‌ترین مسئله و چالش خود را تحریم تعریف می‌کرد و آن را بر ابعاد مختلفی همچون اقتصاد و سیاست موثر می‌دانست. حسن روحانی در مصاحبه‌ای در این مورد افزوده بود: «مهم‌ترین وظیفه شکستن تحریم و حصر ایران بود...» (روزنامه اعتماد،

۱۳۹۸). نکته مهم تر اما این است که دولت از میان پاسخ‌ها و راه‌حل‌های مختلف، راهکار مذاکره برای رفع تحریم را مهم‌ترین گزینه سیاست خارجی تعریف کرد (روحانی، ۱۳۹۲: ۱۰۷۸) و تمام تلاش خود را برای رفع تحریم از طریق مذاکرات به کار بست.

مذاکرات برج‌جام: دولت روحانی و تیم دیپلماتیک او، تلاش‌های گسترده‌ای برای دستیابی به توافق هسته‌ای انجام دادند. بعد از چندماه از شروع مذاکرات در تاریخ ۳ آذر ۱۳۹۲ توافق موقت «ژنو» به دست آمد. بر اساس مفاد این توافق، ایران پذیرفت تا برخی محدودیت‌ها از جمله کاهش سطح غنی‌سازی اورانیوم به ۵ درصد را بر برنامه هسته‌ای خود اعمال کند. در مقابل، ضمن به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران، بخشی از تحریم‌ها لغو شد و قسمتی از دارایی‌های مسدودشده کشور آزاد گردید (کریمی‌نژاد و هادی‌پور، ۱۴۰۳: ۸۷). در ادامه و بعد از ۱۵ ماه از توافق ژنو و پایبندی طرفین به تعهدات مندرج در آن و انجام مذاکرات طولانی، در ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ (۲۲ آوریل ۲۰۱۵)، بیانیه سیاسی با عنوان «مؤلفه‌های برنامه جامع اقدام مشترک»، که مبنای مورد توافق برای پایبندی متن توافق نهایی باشد، منتشر شد. فاز نهایی مذاکرات نیز در شهر لوزان برگزار شد و در پی این جلسات، مذاکرات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ نزدیک به یک ماه ادامه یافت؛ این روند از ۶ تیرماه ۱۳۹۴ تا ۲۳ تیر ۱۳۹۴ به تصویب نهایی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ۱ انجامید (کریمی‌نژاد و هادی‌پور، ۱۴۰۳: ۸۸). توافقی که به ایران در ازای محدودیت‌های کوناگون هسته‌ای اجازه بیرون آمدن از تحریم‌های شورای امنیت، ایالات متحده و اتحادیه اروپا را داد و مقادیر بالایی از پول‌های بلوکه شده ایران را آزاد کرد. برجام سبب از بین رفتن ولو موقت تحریم‌ها شد و زمینه را برای ورود کشورهای هدف و سرمایه‌گذاران خارجی و در نهایت جذب میلیاردها دلار پول فراهم کرد (بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۵). محمد جواد ظریف همان زمان در باب اهمیت برجام اشاره داشت که: «برجام برای اقتصاد یک ضرورت است» (ایسنا، ۱۳۹۴). برجام یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت روحانی بود که به ایران امکان داد تا به بازارهای جهانی بازگردد و صادرات نفت خود را افزایش دهد. پس از اجرای برجام، ایران توانست به دارایی‌های مسدود شده خود در بانک‌های خارجی دسترسی پیدا کند و بسیاری از

قراردادهای اقتصادی که به دلیل تحریم‌ها به تعویق افتاده بودند، مجدداً فعال شدند. این توافق همچنین به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کرد.

توسعه روابط اقتصادی: با امضای برجام، ایران توانست روابط اقتصادی خود را با بسیاری از کشورهای جهان گسترش دهد. شرکت‌های بین‌المللی به ایران بازگشتند و قراردادهای بزرگی در حوزه‌های مختلف از جمله نفت، گاز، خودروسازی و هواپیماسازی منعقد شد. این تحولات اقتصادی نقش مهمی در افزایش تولید ناخالص داخلی ایران داشت. آمارها حکایت از آن دارد که هدف‌های سالهای ۹۴ تا ۹۶، دولت حسن روحانی موفق‌ترین سالهای خود را به لحاظ اقتصادی به ثبت رساند (روزنامه فرهیختگان، ۱۴۰۳). بدون شک جهش ۱۸۰/۸ درصدی فروش نفت و عبور از رقم فروش یک میلیون و صد هزار بشکه تا حدود ۳/۹۲ میلیون بشکه در تحقق این آمار بسیار تاثیرگذار بوده است (کریمی‌نژاد و هادی‌پور، ۱۴۰۳: ۹۰). این شرایط اقتصادی به طور نسبی ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۹۷، دولت دونالد ترامپ از توافق برجام خارج شد و تحریم‌های شدیدتری را علیه ایران اعمال کرد. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های سخت‌گیرانه در صادرات نفت، دسترسی به سیستم مالی بین‌المللی و تحریم‌های بانکی بود. این اقدامات فشار زیادی بر اقتصاد ایران وارد کرد و دولت را در فروش نفت دچار چالش‌های جدی کرد. البته بسیاری از محققین چالش‌های سیاسی میان آمریکا و ایران را بسیار عمیق‌تر از آن می‌دانستند و معتقد بودند که وضعیت آنارشیک حاکم بر روابط (آن هم به جهت غلبه رویکردهای واقع‌گرایانه در طرفین) تداوم بدبینی را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد و از این بابت معتقدند ایجاد چالش برای برجام صرفاً به خاطر تصدی ترامپ نبوده است. این دست محققین معتقدند حتی اگر ترامپ هم بر سرکار نمی‌آمد، با فعالیت‌های مستمر لابی‌های بسیار قدرتمند ضدایرانی در ساختار ایالات متحده برجام دچار چالش می‌شد و به اهداف خود نمی‌رسید (بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۷۵). شاهدهی بر این ادعا اینکه در دوره خود اوباما نیز ایالات متحده تحریم‌های متعددی بر ایران وضع کرد و از اجرای بسیاری از مفاد برجام اجتناب کرد.

سازوکار اینستکس: پس از خروج آمریکا از برجام، ایران به همکاری با کشورهای اروپایی ادامه داد تا راه‌حلی برای کاهش تأثیرات تحریم‌های آمریکا بیابد. نخستین واکنش اروپا، اقدام

احیاء و اصلاح قانون انسداد مصوب ۱۹۹۶ میلادی بود که به موجب آن، شرکت‌های عضو اتحادیه، از دایره شمول تحریم‌های آمریکایی خارج می‌شدند. علاوه بر این، در صورت نقض قانون، شرکت‌های تابع اتحادیه قادر به طرح دعوا و دریافت خسارت بودند. با این وجود عدم ضمانت اجرای مناسب، شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی را به این جمع‌بندی رساند که از ایران خارج شوند و ریسک روبه‌رو شدن با خطرات احتمالی را به جان نخرند (برزگر، ۱۴۰۰: ۲۲۱). در ادامه و همزمان با آغاز مراحل پنج‌گانه کاهش تعهدات هسته‌ای ایران، کشورهای اروپایی در پی راهکاری دیگر برآمدند که به سازوکار حمایت از مبادلات تجاری (اینستکس)^۲ شناخته شد. اینستکس توسط فرانسه، آلمان و بریتانیا تأسیس شد تا امکان تجارت غیر دلاری با ایران فراهم شود و تحریم‌های آمریکا دور زده شوند. این ساز و کار هدف داشت تا مبادلات تجاری در حوزه‌هایی مانند دارو، مواد غذایی و محصولات کشاورزی را تسهیل کند. اینستکس مکانیزمی فراهم می‌کرد که امکان مبادله کشورهای دیگر با ایران را در غیاب سوئیفت یا سایر سیستم‌های معمول پرداخت مشمول تحریم میسر می‌ساخت. شیوه کار آن هم به این صورت بود که دو دفتر در تهران و پاریس مبادلات را هماهنگ می‌کردند. زمانی که سفارشی از ایران ثبت می‌شد، پرداخت هزینه از سوی دفتر پاریس انجام می‌شد و در ازای آن با دفتر ایران کالا تهاتر می‌کرد؛ به عبارت دیگر، پرداخت هزینه از یک بانک اروپایی به بانک اروپایی دیگر انجام می‌شد و طرف ایرانی خریدار پشت پرده بود (برزگر، ۱۴۰۰: ۲۲۲). اما گذشت زمان نشان داد که همین سازوکار نیز نتایج مطلوب مورد انتظار را به همراه ندارد و در عمل اینستکس نیز خیلی زود با موانع متعددی مواجه شد. یکی از دلایل اصلی آن مفاد توصیه‌نامه‌های گروه ویژه اقدام مالی (فتف)^۳ بود که در راستای مقابله با پول‌شویی و تامین مالی تروریسم، کشورهای عضو را وادار به اعمال سیاست‌هایی می‌کرد. قرار داشتن ایران در لیست سیاه فتف و پرخطر معرفی شدن این کشور سبب شده بود تا عضویت و پابندی به اصول فتف به محل مناقشه ایران و اروپا برای ادامه کار اینستکس معرفی شود. ارجاع اروپائیان هم به طور خاص به بند ۱۹ اصول فتف بود که کشورهای عضو را از همکاری‌های مالی و تجاری با کشورهای پرخطر منع می‌کرد (برزگر، ۱۴۰۰: ۲۲۶). البته علاوه بر چالش، محدودیت‌های عملیاتی دیگری نیز برای

1. EU Blocking Statute

2. INSTEX

3. FATF

اینستکس ایجاد شد. به عنوان مثال یکی از این محدودیت‌ها کالای مورد تهاثر از طرف دفتر ایران بود. نفت که مهمترین و در دسترس‌ترین کالای ایران برای تهاثر بود تحت شدیدترین تحریم‌های ایالات متحده قرار داشت و همین مهم بانک‌های اروپایی را از پذیرش نفت برحذر می‌داشت. اقلام دارای امکان تهاثر دیگر هم (از قبیل سنگ معادن و یا اقلامی مانند پسته و زعفران و...) در اختیار بخش خصوصی بودند که نبود شفافیت، پرخطر بودن معاملات و ارتباطات موردی این بخش‌ها با نهادهایی همچون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بخش خصوصی داخلی را از ادامه معاملات منصرف می‌کرد. در نهایت و پس از حدود ۱۸ ماه، عدم همکاری کافی بانک‌های اروپایی به دلیل ترس از تحریم‌های ثانویه آمریکا و محدودیت‌های عملیاتی، باعث شد که این ساز و کار نتواند به طور کامل انتظارات ایران را برآورده کند و در عمل به بن‌بست برسد. از این مقطع تا پایان دوره دولت دوازدهم هم وقایع بین‌المللی همچون همه‌گیری ویروس کرونا و مسائل داخلی کشور سبب شدند تا امکان ایجاد یک برگ جدید در روابط و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران میسر نشود و سیاست خارجی صورتی انفعالی به خود بگیرد و در انتظار تحولات بین‌المللی همچون نتایج انتخابات ایالات متحده بماند.

عملکرد دولت سیزدهم

با آغاز به کار دولت سید ابراهیم رئیسی در سال ۱۴۰۰، سیاست‌های اقتصادی و خارجی ایران با هدف کاهش اثرات تحریم‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی ادامه یافت. دولت رئیسی تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای بازگشت به برجام و رفع تحریم‌ها افزایش داد. با این حال دولت با سیاست از پیش اعلام‌شده خود «برجام را به معیشت مردم» گره نزد و با به نتیجه نرسیدن مذاکرات احیای برجام، سیاست‌های جدیدی را برای تقویت اقتصاد مقاومتی و توسعه روابط اقتصادی با کشورهای همسایه و شرقی دنبال کرد.

عضویت در پیمان‌های بین‌المللی: یکی از اقدامات مهم دولت رئیسی در راستای تقویت روابط بین‌المللی، پیوستن به سازمان‌های اقتصادی و تجاری بزرگ بود. ایران در دوره رئیسی به سازمان همکاری شانگهای پیوست، با تلاش بسیار عضویت گروه بریکس را به دست آورد و به اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا اضافه شد. البته لازم به ذکر است که این عضویت‌ها ذیل سیاست

نگاه به شرق دولت سیزدهم نیز قابل درک است. سازمان همکاری شانگهای با هدف اصلی تقویت همکاری های اقتصادی، امنیتی و سیاسی در آسیای مرکزی و شرق آسیا تاسیس شده است که ایران نیز در سپتامبر ۲۰۲۱ به عنوان عضو کامل این سازمان پذیرفته شد (SCO, 2021). بزرگی و سبد اقتصادی ۱۲ کشور عضو سازمان شانگهای بیش از ۲۰ تریلیون دلار است و این سازمان سهم ۲۲,۹ درصدی از اقتصاد جهانی را در اختیار دارد (محب پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۲۹). این عضویت به ایران امکان داد تا روابط اقتصادی و امنیتی خود را با کشورهای آسیای مرکزی و شرق آسیا تقویت کند. این سازمان همچنین به ایران اجازه می دهد تا در زمینه های مبارزه با تروریسم و افراط گرایی نیز همکاری بیشتری داشته باشد. علاوه بر این، ایران می تواند به منطقه آسیای مرکزی به عنوان بازاری برای صادرات کالاهای ایرانی دسترسی یابد. مهمتر اینکه سازمان همکاری شانگهای شامل بزرگترین تولیدکنندگان سوخت و بزرگترین خریداران هیدروکربن است که ایران نیز می تواند از این بازار مصرف عظیم استفاده کند. «در واقع برخورداری از قریب به یک سوم جمعیت جهان و بخش اعظم منطقه اور آسیا با منابع فراوان انرژی»، سازمان همکاری شانگهای را بسیار قدرتمند و توانا ساخته است (محب پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳۳). با پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای انتظار می رود که مجموع درآمد کشور در حدود ۳۷۰ میلیون دلار افزایش یابد (محب پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳۳). به طور کلی ایران با پیوستن به سازمان شانگهای به دنبال استفاده از موقعیت جغرافیایی خود به عنوان پل اتصال میان آسیا و اروپا و تقویت روابط با کشورهای همسایه و منطقه بود (کوشکی و حسینی، ۱۴۰۱: ۷۴۳). البته اساساً عضویت در این یک سازمان بین المللی و تعمیق همکاری ها با بازیگران بزرگ عضو این سازمان، ایران را از انزوای سیاسی خارج می ساخت و امکان به رسمیت شناخته شدن بیشتر ایران در فعالیت های بین المللی را ایجاد می کرد (محب پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۳۹). با این حال، چالش هایی مانند محدودیت های اقتصادی و سیاسی و عدم هماهنگی کامل اعضا بر کارایی این عضویت و همکاری ها تاثیر گذار بوده است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۶).

اما در مورد گروه بریکس باید گفت که شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است و به عنوان یک بلوک اقتصادی و سیاسی مهم در سطح جهانی شناخته می شود. ایران نیز در ژوئن ۲۰۲۲ درخواست عضویت خود را به این گروه ارائه داد (Financial Times, 2022).

پیوستن به گروه بریکس به ایران این امکان را داد که در جمع کشورهای با اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه قرار گیرد و از فرصت‌های اقتصادی و تجاری جدید بهره‌برداری کند. ایران به‌ویژه به دنبال جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و افزایش صادرات غیرنفتی خود از طریق این گروه بود. همچنین، عضویت در بریکس به ایران کمک کرد تا روابط اقتصادی خود با کشورهای بزرگ مناطق مختلف جهان را تقویت کند و به‌ویژه در زمینه‌های انرژی و فناوری‌های نوین فرصت‌های جدیدی به دست آورد (سلیمانی، ۱۴۰۱: ۲۳). عضویت در بریکس به ایران کمک می‌کند تا در عرصه جهانی وزن بیشتری پیدا کند و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی جهانی تأثیرگذارتر باشد (کارول ماسالاسکی، ۱۴۰۳: ۵۶۳). نکته قابل ذکر دیگر اینکه روند روبه‌رشد کشورهای بریکس هم نشان از آینده درخشان کشورهای عضو آن دارد. به عنوان مثال:

«حجم تولید ناخالص داخلی ۵ کشور اصلی گروه بریکس از ۲/۶۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ با رشد متوسط سالانه ۱۱۰۵ درصد، به ۲۴۲۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ برابر افزایش یافته است تا سهم بریکس از اقتصاد جهانی از ۸۲۹ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۵/۱۷ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است به این ترتیب در سال ۲۰۲۱ بیش از یک چهارم اقتصاد جهان به اعضای بریکس تعلق داشته است. اندازه اقتصاد کشورهای عضو بریکس-پلاس نیز از ۳/۴۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به ۲۶/۸۲ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است تا نزدیک به ۲۸ درصد از اقتصاد جهانی به اعضای بریکس-پلاس تعلق داشته باشد.» (حسینی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۱۹)

وجود چنین ظرفیت ارزشمند و عظیمی فرصت مراودات تجاری گسترده‌ای را به ایران می‌دهد تا با افزایش تراز تجاری خود با این کشورها از تأثیرات تحریم‌های ایالات متحده بکاهد.

توسعه روابط اقتصادی با شرق: دولت رئیسی به دنبال توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای شرق آسیا، به ویژه چین و روسیه هم بود. ایران توافق‌نامه‌های بلندمدتی با چین برای توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در بخش‌های مختلف امضا کرد. این توافق‌نامه‌ها شامل پروژه‌های بزرگی در حوزه‌های نفت، گاز، راه‌آهن و فناوری‌های نوین بود (سلیمانی، ۱۴۰۲: ۲۳). در حقیقت، سیاست نگاه به شرق ایران بود که این امکان را داد تا ارتباطات خود با بازیگران برجسته‌ای همچون چین و روسیه را بهبود ببخشد و منافع مهمی به دست بیاورد. به عنوان مثال ایران در

ابتکار کمربند و جاده چین^۱ اهمیتی راهبردی دارد چرا که آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می‌کند و دسترسی به خلیج فارس، خلیج عمان و دریای خزر را فراهم می‌آورد؛ بنابراین سیاست نگاه به شرق ایران در این مقطع موجب شد تا چین با سرمایه‌گذاری بلندمدت مبتنی بر توافقنامه همکاری جامع ۲۵ ساله (که در سال ۲۰۲۱م به امضا رسید) با ایران وارد همکاری‌های مشترک سطح عالی گردد. مطابق با این توافقنامه چین با سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری در ازای دریافت نفت ایران بر حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی فعالیت خواهد کرد و بخش‌های مختلفی را تحت پوشش خواهد گرفت: از جمله سرمایه‌گذاری ۲۸۰ میلیارد دلاری در صنایع انرژی ایران و سرمایه‌گذاری ۱۲۰ میلیارد دلاری در حمل و نقل. انتظار می‌رود این سرمایه‌گذاری‌ها به تحکیم جایگاه ایران در ابتکار کمربند و جاده چین بیانجامد و آثار تحریم‌های ایالات متحده را کاهش دهد (کارول ماسالاسکی، ۱۴۰۳: ۵۶۶). البته وجود مشکلاتی همچون عدم عضویت ایران در فتف، اجرای کامل توافقات را دچار چالش کرده تا جایی که خود «چین هم تا انتهای سال ۲۰۲۴م تنها ۱۸۵ میلیارد دلار از ۴۰۰ میلیارد دلار ذکر شده را سرمایه‌گذاری کرده» است (کارول ماسالاسکی، ۱۴۰۳: ۵۶۶). البته گسترش ارتباط با شرق از وجوه تمایز مهم دولت‌های یازدهم و سیزدهم بود به نحوی که در دو دولت یازدهم و دوازدهم، سطح روابط ایران و چین به شدت کاهش یافته بود؛ به طوری که در مقاطع زمانی قابل توجهی ایران در چین سفیر نداشت. از طرف دیگر ارتباط با روسیه نیز در دولت سیزدهم بسیار بهبود یافت به طوری که ایران و روسیه را در زمینه‌های متنوعی به هم نزدیک کرد؛ نزدیکی و همکاری‌های نظامی ایران و روسیه از برجسته‌ترین مصادیق آن می‌باشد. به عنوان مثال ایران ارسال پهپاد به روسیه را آغاز کرد و حتی ساخت خط تولید پهپاد را در خاک روسیه کلید زد. از طرف دیگر روسیه نیز با اعطای برخی تسلیحات نظامی پیشرفته همچون سوخو ۳۵ همکاری نظامی متقابلی را با ایران ترتیب داد (کارول ماسالاسکی، ۱۴۰۳: ۵۶۷). علاوه بر این، ایران و روسیه در در توافقنامه‌ای در سال ۲۰۲۳م هم نظام‌های بانکی خود را به یکدیگر متصل کردند تا به این شکل هم مبادلات تجاری حمایت کنند و مهمتر از آن، تحریم‌های ایالات متحده را دور بزنند. البته همکاری‌ها تنها در این سطوح محدود نشد و ایران و روسیه در سال ۲۰۲۴م توافقنامه همکاری جامع ۲۰ ساله‌ای را امضا کردند تا سطح همکاری‌ها به سطحی راهبردی ارتقا یابد. عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی

1. BRI

مهم اوراسیا نیز ذیل همین روابط با روسیه قابل تعریف می‌باشد؛ اتحادیه‌ای که همچون دو سازمان قبلی امتیازات و آورده‌های اقتصادی و تجاری بسیاری برای ایران به همراه خواهد داشت.

تقویت سیاست همسایگی: یکی دیگر از سیاست‌های برجسته دولت سیزدهم سیاست همسایگی بود. ایران با داشتن ۱۵ همسایه جزو کشورهای پرمسایه جهان محسوب می‌شود که این مهم به طور بالقوه مزایای زیادی را برای ایران به همراه دارد. سیاست «همسایگی و همگرایی» سیاستی بود که از ابتدا دولت سیزدهم آن را به عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی خود معرفی نمود. «از نظر دولت سیزدهم، یکی از مهمترین راهکارهای تحقق سیاست خنثی‌سازی تحریم‌ها، توجه ویژه به ظرفیت‌های محیط همسایگی ایران» بود (جمشیدی و نورعلی‌وند، ۱۴۰۲: ۱۰)؛ به همین دلیل سیاست تقویت روابط با همسایگان برای رسیدن به یک محیط همسایگی امن در دستور کار دولت سیزدهم قرار گرفت. به نظر می‌رسد هدف‌گذاری غایی دولت سیزدهم از سیاست همسایگی اما ایجاد محیطی مناسب برای شکل‌گیری همگرایی منطقه‌ای بود. با این وجود به نظر می‌رسد که دولت اهداف متعدد دیگری از قبیل: بازگرداندن تعادل به سیاست خارجی، گسترش تجارت و روابط اقتصادی با همسایگان، ایجاد ثبات منطقه‌ای، اتصال ایران به کریدورهای اقتصادی و پی‌ریزی یک همگرایی فرهنگی-تمدنی را دنبال می‌کرد (جمشیدی و نورعلی‌وند، ۱۴۰۲: ۱۰). نمود عملی این سیاست نیز در تلاش‌های دیپلماتیک ایران برای بهبود روابط با همسایگان بود. به عنوان مثال خود آقای رئیسی در این دوره، سفرهای خارجی متعددی به کشورهای همسایه از جمله تاجیکستان (شهریور ۱۴۰۰ و آبان ۱۴۰۲) ترکمنستان (آذر ۱۴۰۰ و تیرماه ۱۴۰۱)، روسیه (دی ۱۴۰۰ و آذر ۱۴۰۲)، قطر (اسفند ۱۴۰۰)، عمان (خرداد ۱۴۰۱)، ازبکستان (شهریور ۱۴۰۱)، قزاقستان (مهر ۱۴۰۱)، سوریه (اردیبهشت ۱۴۰۲) و عربستان (آبان ۱۴۰۲) داشته است که در مقایسه با دولت‌های قبلی جمهوری اسلامی تفاوت معناداری دارد.

همسانی‌ها؛ تمرکز بر سیاست خارجی و دیپلماسی

به نظر می‌رسد علاوه بر اشتراک نظری-رفتاری رئالیستی سه دولت در مقابله با تحریم‌ها و به تعبیری کلاستر تنظیم الگوی سیاست خارجی، شباهت برجسته دیگر، اهمیت یافتن سیاست خارجی و دیپلماسی فعال و به عهده گرفتن نقش کلیدی در مدیریت و مقابله با تحریم‌های بین‌المللی بوده

است. تحریم‌ها که فشارهای اقتصادی و سیاسی زیادی را به کشور وارد می‌کردند سبب شدند تا نیاز به رویکرد دیپلماتیک مؤثر اهمیت یابد. در واقع در این دوره یازده ساله، دیپلماسی به‌عنوان ابزار اصلی برای کاهش تنش‌ها و پیدا کردن راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی، نقش حیاتی یافت. به‌طور خاص، سیاست خارجی به معنای تلاش برای تقویت روابط با کشورهای مختلف و ایجاد شبکه‌های بین‌المللی تلقی شد که می‌تواند مسائل اقتصادی و سیاسی کشور را حل کند. دیپلماسی نه تنها در ایجاد فرصت‌های اقتصادی جدید و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی مؤثر بود، بلکه به‌عنوان ابزاری برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای و جهانی نیز به کار گرفته شد. به این ترتیب، قدرت نرم و دیپلماسی فعال به عنوان ارکان اصلی در سیاست خارجی، نقش مهمی در مدیریت بحران‌ها و حفظ ثبات داخلی و خارجی کشور ایفا کردند. در کنار تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش فشارهای بین‌المللی، دیپلماسی همچنین به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت موقعیت بین‌المللی کشور و ایجاد زمینه‌های همکاری‌های اقتصادی و تجاری جدید عمل کرد.

ناهمسانی‌ها؛ راهبردهای نئورئالیستی متفاوت در مقابله با تحریم‌ها

استراتژی‌های مقابله با تحریم‌ها به سیاست‌های دولت‌ها برای کاهش تأثیرات منفی تحریم‌ها اشاره دارد. همانطور که پیش‌تر ذکر گردید این سه دولت با استفاده از روش‌هایی همچون خنثی‌سازی تحریم، مذاکرات رفع تحریم، سیاست‌های دور زدن تحریم‌ها، ایجاد باشگاه تحریمی‌ها، موازنه‌سازی برای بی‌اثر کردن تحریم‌ها، انعقاد پیمان‌ها و قراردادهای عضویت در سازمان‌های اقتصادی مؤثر و... درصدد مقابله با تحریم‌ها برآمدند؛ مسئله اینجاست که به نظر می‌توان مجموع تدابیر دولتها را ذیل راهبردهای منطبق بر نظریه واقع‌گرایی دسته‌بندی کرد. با دقت نظر در سیاست‌های اصلی دولتها و تطبیق آنها بر استراتژی‌های سیاست خارجی، به نظر دولت‌های یازدهم و دوازدهم بیشتر به‌دنبال «مصون‌سازی» از طریق استفاده از تحرکات دیپلماتیک و اقتصادی بودند، در حالی که دولت سیزدهم تلاش کرده تا با «موازنه قوا» خود را در معادلات جهانی تعریف کند. مصون‌سازی^۱ به معنای اتخاذ سیاست‌های احتیاطی برای کاهش ریسک‌های

1. Hedging

خارجی است. در این رویکرد، دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با حفظ تعادل در روابط خود با کشورهای مختلف، از شدت تأثیرات منفی فشارهای خارجی جلوگیری کنند. این استراتژی معمولاً شامل تلاش برای بهبود روابط با کشورهای غربی و در عین حال حفظ روابط با بازیگران دیگر است. در مقابل، موازنه قوا^۱ بیشتر بر ارزیابی قدرت و تلاش برای ایجاد توازن در سطح بین‌المللی مبتنی است. دولت‌ها در این رویکرد به دنبال تنظیم روابط خود به گونه‌ای هستند که بتوانند قدرت بیشتری نسبت به بازیگران رقیب به دست آورند.

استفاده از راهبرد مصون‌سازی در دولت روحانی به معنای به کارگیری روش‌هایی بود که می‌توانست ایران را در شرایط بحرانی به سمت حفظ روابط تجاری و اقتصادی با غرب هدایت کند، حتی اگر این روابط محدود و مختصر می‌بود. هدف از این استراتژی این بود که ایران بتواند به‌طور موقت فشارهای تحریمی را کاهش دهد و از بحران اقتصادی شدید جلوگیری کند. در این چارچوب، دولت روحانی با اتکا به مصون‌سازی، به دنبال حفظ کانال‌های حداقلی تعامل با غرب و مدیریت ریسک‌های ناشی از تحریم‌ها بود. این رویکرد، مبتنی بر فرض استمرار تعامل با ساختارهای بین‌المللی بود تا از شوک‌های اقتصادی پرهیز شود. با این حال بدعهدی آمریکا، موجب اعمال دوباره تحریم‌های گسترده‌ای شد که به بحران‌های اقتصادی و مالی در کشور منجر گردید. البته عدم تطابق سیاست‌گذاری‌های سال‌های پایانی دولت دوازدهم با رویکردهای واقع‌گرایانه سبب شد تا این دولت از بدبینی ذاتی موجود در نگاه رئالیستی فاصله بگیرد و کنش‌های بسیار مهمی همچون خروج از برجام را کنش‌های مقطعی و سیاست‌های فردی و نه دولتی ببیند. همین نگاه مثبت دولت را به سمت تداوم سیاست مذاکره این بار با اروپا سوق داد تا به این شکل امتیازات موجود در برجام را حفظ کند؛ امتیازاتی که باور به حفظ کامل آنها بدون حضور آمریکا در آن هم نوعی عدول از رویکردهای واقع‌گرایانه بود. همین رویکرد سبب شد تا مشکلات اقتصادی مردم افزایش یابد و عدم تحقق کامل وعده‌های اقتصادی، نارضایتی عمومی را در سال‌های پایانی دولت دوازدهم افزایش دهد. یکی از نقدهای اصلی به دولت روحانی این بود که تحریم‌ها و بحران اقتصادی به‌طور کامل تحت کنترل قرار نگرفت و مشکلات اقتصادی باقی ماندند.

1. Balancing

اما دولت سید ابراهیم رئیسی که در سال ۱۴۰۰ به قدرت رسید، با چالش‌های جدید اقتصادی و سیاسی ناشی از تحریم‌ها مواجه بود. این دولت در مجموع رویکرد موازنه قوا را اتخاذ کرد و تمرکز زیادی بر تقویت روابط با کشورهای همسایه و پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی داشت. دولت سیزدهم با این راهبرد، به دنبال تقویت روابط با قدرت‌های شرقی مانند چین و روسیه و همچنین عضویت در گروه‌های اقتصادی جدید بود تا به این وسیله ایران را از فشارهای جهانی آزاد کند. این سیاست‌ها به دولت رئیسی کمک کرد تا به تنوع‌بخشی به منابع اقتصادی خود و کاهش وابستگی به غرب پردازد (سلیمانی، ۱۴۰۱: ۳۱). به عبارت دیگر دولت رئیسی به دنبال پیدا کردن شرکای جدید بود تا از طریق پیوستن به سازمان‌های مهم بین‌المللی مانند سازمان همکاری و شانگهای و گروه بریکس، قدرت چانه‌زنی ایران را در برابر غرب افزایش دهد. این سیاست نه تنها به دنبال کاهش وابستگی به غرب بود، بلکه می‌خواست یک توازن جدید در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران ایجاد کند. این سیاست دولت رئیسی، یک نوع «موازنه قوا» در برابر فشارهای تحریمی و سیاسی غرب محسوب می‌شود. این استراتژی نشان می‌دهد که دولت رئیسی بیشتر به دنبال افزایش همکاری و متعاقباً جلب حمایت از بازیگران جدید جهانی بود تا اینکه به مذاکرات مستقیم با غرب روی بیاورد؛ رویکردی که به نظر ناشی از یک عقلانیت واقع‌بینانه بوده است. با این حال، دولت رئیسی نیز با چالش‌های قابل توجهی مواجه بود. مشکلات اقتصادی ناشی از ادامه تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی همچنان بر اقتصاد ایران تأثیرگذار بود (کوشکی و حسینی، ۱۴۰۱: ۷۴۹). یکی از نقدهایی که به دولت رئیسی وجود داشت این بود که با وجود تلاش‌های جدید برای تقویت روابط بین‌المللی و اقتصادی، تأثیرات مثبت این اقدامات بر بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فشارهای تحریمی به‌طور کامل مشاهده نشد. در واقع ادامه تحریم‌ها و چالش‌های داخلی به کاهش اثربخشی این اقدامات و ایجاد محدودیت‌هایی در دستیابی به نتایج مطلوب منجر شد. به‌طور کلی، عملکرد دولت رئیسی نیز نتایج متناقضی به دنبال داشت و تأثیرات آن بر وضعیت اقتصادی کشور به‌طور کامل مشاهده نشد. البته اساساً رسیدن به ثمرات پیمان‌های اقتصادی زمانبر است و انتظار نتیجه‌دهی این پیمان‌ها در کوتاه مدت معقول به نظر نمی‌رسد.

جدول ۲. مقایسه عملکرد دولت‌ها

دولت سیزدهم	دولت‌های یازدهم و دوازدهم	***
اصول نئورئالیسم	اصول نئورئالیسم	ابتنای نظری عملکرد دولت
موازنه نرم (Soft Balancing)	مصون‌سازی (Hedging)	راهبرد سیاست خارجی
ائتلاف سازی و عقد پیمان‌ها و قراردادهای	حل مسئله تحریم‌ها	تمرکز محوری
سیاست همسایگان	تعامل سازنده با دنیا	سیاست اعلامی
عضویت در شانگهای و بریکس - عقد قراردادهای راهبردی - سیاست همسایگی - سیاست نگاه به شرق	برجام - رفع تحریم‌های سازمان ملل - بهبود روابط با اروپا - اینستکس	مصادیق عینی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۳، جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های پیچیده ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و تغییرات سیاسی و اقتصادی جهانی مواجه بود. عملکرد دولت‌ها در این دوره نشان‌دهنده تلاش‌های متعدد و متفاوتی برای مدیریت و مقابله با این چالش‌ها بود. این تلاش‌ها اگرچه در هر سه دولت بر مدار اصول رفتاری رئالیستی تنظیم می‌شد اما تفاوت راهبردهای اتخاذی دولت‌ها منجر به وقوع مسیرها و دستاوردهای متفاوتی شد. در سال‌های ابتدایی این دوره، تأکید بر دیپلماسی هسته‌ای و تلاش برای کاهش تحریم‌ها در دستور کار قرار گرفت. با روی کار آمدن دولت سیزدهم، رویکرد به دیپلماسی و روابط بین‌المللی تغییر کرد و تمرکز بر تقویت روابط با کشورهای همسایه و پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی محوری یافت. این تغییرات نشان‌دهنده تلاش برای بهبود موقعیت بین‌المللی و کاهش وابستگی اقتصاد به غرب بود. به‌ویژه، عضویت در این سازمان‌ها به‌عنوان یک استراتژی برای تنوع‌بخشی به منابع اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد توجه قرار گرفت. با این حال، چالش‌های اقتصادی ناشی از ادامه تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی همچنان تداوم یافت و تأثیرات ملموس اقدامات جدید بر بهبود وضعیت اقتصادی به‌طور کامل مشاهده نشد. در مجموع به نظر می‌رسد اگرچه در این دوره

دیپلماسی و سیاست خارجی فعال به عنوان ابزارهای کلیدی مدیریت بحران‌ها و حفظ ثبات اقتصادی و سیاسی کشور نقش مهمی ایفا کردند اما در نهایت، تحلیل عملکرد دولت‌ها در این دوره نشان‌دهنده اتخاذ راهبردهای متفاوت نئورئالیستی به رغم مبانی مشترک نظری می‌باشد، به نحوی که منجر به خروجی‌های متفاوت و بعضاً متعارضی در سیاست خارجی گردیدند. در واقع به طور خلاصه می‌توان این طور گفت که اگرچه سیر تحولات حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب واقع‌گرایی و حتی بدبینی لازم برای حفظ بقا در چنین شرایطی را در ضمیر دولت‌ها نهادینه کرده اما در عمل سیر تحولات یازده سال گذشته دولت‌ها را به سمت اتخاذ رویکردها و راهبردهای متفاوت رئالیستی رهنمون شد؛ راهبردهایی که به طور کلی با اصول رئالیستی همراستا هستند اما در مقام بررسی موشکافانه‌تر در برخی موارد مغایرت‌های قابل توجهی را با نظریه واقع‌گرایی نشان می‌دهند.

فهرست منابع

- Alavi Nia, N, Ghasem Zadeh, Kh. (2021). Strategies to Counter Economic Sanctions from the Perspective of the Supreme Leader in the Post-JCPOA Era. *Journal of Future Studies and Policy-making*, 7(2), 110-122. [In Persian]
- Bagheri Dolatabadi, A. and Taghvaeipoor, R. (2024). Factors Affecting the Pursuit of Looking East in the Foreign Policy of Ebrahim Raisi Administration. *Iranian Research letter of International Politics*, 13(1), 125-101. doi: 10.22067/irlip.2024.80298.1350 [In Persian]
- Banihashemi, S. A., Heidarpour, M. and Kiani, D. (2022). The JCPOA and the continuation of the conflicting approaches of the Islamic Republic of Iran and the United States. *World Politics*, 11(2), 269-295. doi: 10.22124/wp.2022.6222 [In Persian]
- Barzegar, M. (2022). The Legal and Economic Challenges of Instex SPV. *Encyclopedia of Economic Law Journal*, 28(20), 219-247. doi: 10.22067/economlaw.2022.41909 [In Persian]
- Bayat, Saman. (1401). The United States' Withdrawal from the JCPOA and the Strategy of the Islamic Republic of Iran. *International Journal of Nations Research*, 77(1), 29-57. [In Persian]
- Bigdeli, M. R. , Deghani Firooz Abadi, S. J. and Barzegar, K. (2023). Comparing the approach of three generations of realism paradigm towards the international system. *International Relations Researches*, 13(1), 165-200. doi: 10.22034/irr.2023.362996.2273 [In Persian]
- Chitsazian, M. R. and Shafiei, N. (2018). Iran-U.S. Relations until 2030 : Possible Scenario. *World Politics*, 6(4), 41-65. doi: 10.22124/wp.2018.2789 [In Persian]
- Ebrahimi, M. (2016). Reflections on the Role of Economic Sanctions and Iran's Nuclear Issue from the Perspective of International Law. *Journal of Legal Studies*, 1(-), 95-114. [In Persian]

- Esfandiari, H., & Jamshidi, M. (2016). Discursive Conflict of the Foundations of US Foreign Policy and the Islamic Republic of Iran. *Contemporary Iranian State Studies*, 1(2), -. [In Persian]
- Farhadi, A. (2021). Implementing Strategies for Countering US Comprehensive Sanctions (Maximum Pressure Policy) Using the Idea of Supreme Leader, Ayatollah Khamenei. *Military Science and Tactics*, 17(55), 125-148. doi: 10.22034/qjms.2021.136501.1443 [In Persian]
- Hatefi, M., Pishgahi Fard, Z., and Ezzati, E. (2016). Legalization of Comprehensive Sanctions on Iran, Focusing on the D'Amato Plan, King, and AIPAC. *Geography*, 14(48), 129-141. [In Persian]
- Hosseini, M., Fathi, Y. and Amirahmadian, B. (2024). The role and position of BRICS-PLUS in the global economy and Iran's future opportunities. *Economic Strategy*, 13(49), 303-336. doi: 10.22034/es.2024.466608.1783 [In Persian]
- Jafari, A., Belbasi, M. and Esfandiyar, S. (2018). National interest and Iran's membership in the Shanghai Cooperation Organization. *Journal of Political Knowledge*, 13(2), 163-200. doi: 10.30497/pk.2018.2165 [In Persian]
- jamshidi, M., haydari, N., & Falahi, S. (2024). The approach of political economy to the model of confrontation between the Islamic Republic of Iran and the BRICS organization. *International Political Economy Studies*, 7(1), 136-149. doi: 10.22126/ipes.2024.10290.1653 [In Persian]
- Karminejad, H., & hadipour, M. (2024). The Evaluation of Rouhani's Foreign Policy based on the Islamic Republic of Iran's National Interest (2013-2021). *Defense Policy*, 33(126), 108-73. [In Persian]
- Kazemi, S., Saei, A., Taheri, A. and Motalebi, M. (2019). Iran's oil Embargo and the Political Economy of the European Union. *International Relations Researches*, 8(4), 151-176. [In Persian]
- Koushki, M. S. and Hosseini, S. M. (2017). Prospect of Islamic Republic of Iran's Membership in the Shanghai Cooperation Organization: Opportunities and Challenges. *Political Quarterly*, 47(3), 737-752. doi: 10.22059/jpq.2017.62862 [In Persian]
- MASSALSKY, C. (2025). The Iranian Government's Response to Sanctions: A Case Study of New Regionalism. *Journal of Countries Studies*, 2(4), 559-574. doi: 10.22059/jcountst.2024.379190.1142
- Mohebpour, E., Shafiee, N. and Babrigonbad, S. (2023). Considering of permanent membership of Iran in SCO on reduction of US sanctions efficacy. *World Politics*, 12(3), 223-245. doi: 10.22124/wp.2024.26398.3301 [In Persian]
- Mortazavi Shervedani, S. K., Moayedi, S. R., & Mohammadi Sirat, H. (2024). The foreign policy of the government of the Islamic Republic of Iran from the perspective of new institutionalism (case study: Iran-US nuclear conflict). *State Studies of Contemporary Iran*, 10(3), 84-59. [In Persian]
- Moshirzadeh, H. (2017). Realist Tradition in Iran. *Political Quarterly*, 47(1), 201-220. doi: 10.22059/jpq.2017.60781 [In Persian]
- Raajabi, M. (2022). Review of International Sanctions and Human Rights Standards (with Emphasis on Multilateral Sanctions against Iran). *Jornal of Eslamic Human Rights*, 11(1), -. [In Persian]
- Rasoulinezhad, E. and Kirilkina, I. (2023). The Effects of Western Sanctions on Iranian and Russian Energy Economics: Evidence from Scenario Planning Method. *Journal of World Sociopolitical Studies*, 7(1), 1-29. doi: 10.22059/wsp.2023.363059.1367

- shiroodi, M. & mokaramipor, M. (2023). The scenario of future challenges facing the Islamic revolution. *State Studies of Contemporary Iran*, 9(2), 43-66. [In Persian]
- shaheydar, A. and dashti, F. (2022). Estimating the effect of US sanctions against the Islamic Republic of Iran from the perspective of human rights: the study of the right to development. *Jornal of Eslamic Human Rights*, 11(2), -. [In Persian]
- Shahriary, M. (2023). Inbound Political Economy in Islamic Republic of Iran 1979-2019 Monticore State Sanction and Economic Consequences. *Middle East Studies*, 30(1), -. [In Persian]
- Soleimani, R. (2022). Discourse analysis of the foreign policy of Ebrahim Raisi government. *Strategic Studies of public policy*, 12(44), 10-38. doi: 10.22034/sspp.2022.699876. [In Persian]
- Soleimani, Y. (2023). The Economic Sanctions' Effects on the Production Process of Essential Goods in the Country. *Scientific Monthly Economic Security*, 11(4), 31-40. [In Persian]
- Torabi, M. (2023). Iran's Strategic Initiative: Redefining Iran's Role in the Global Economy; Part 1: What Does Neutralizing Sanctions Mean? Parliamentary Research Center. [In Persian]
- Torabifard, M., razmahang, M. and ghasemi, F. (2023). Neutralization of sanctions and new Placement of Iran's economy in the international arena as a new road map of economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Relations*, 14(4), 140-175. doi: 10.22034/fr.2023.360076.1302 [In Persian]
- Torki, L., Mazaheri, B. (2022). Economic Impact of Financial Sanctions on Iran's Economy. *QJER*; 22 (4) : 3 [In Persian]
- Burchill, S, Linklater, A. (1996). *Theories of International Relations*, translated by Mirfakhrai, Seyyed Hossein. Tehran: Allameh Tabatabai University Press [In Persian]
- Dehghani Firouzabadi, A. (2013). *Theories of International Relations: Approaches and Concepts*. SAMT Publications. [In Persian]
- Ghavam, A. (2016). *Theoretical Foundations of International Relations*. SAMT Publications. [In Persian]
- Khanifar, H. (1402). *Principles and Foundations of Qualitative Research Methods*. Tehran: Negah Danesh Publication [In Persian]
- Karamelikli, H. (2021). *The Impact of Sanctions Imposed by the European Union against Iran on their Bilateral Trade: General versus Targeted Sanctions*. Cambridge University Press.
- Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W. W. Norton & Company.
- Morgenthau, H. J. (1948). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*. New York: Alfred A. Knopf.
- Moshirzadeh, H. (2005). *Approaches and Theories of International Relations*. Ney Publication. [In Persian]
- Moshirzadeh, H. (2020). *Evolution in International Relations Theories*. SAMT Publications. [In Persian]
- Rouhani, H. (2013). *National Security and Nuclear Diplomacy*. Tehran: Center for Strategic Research Publication [In Persian]
- Vakili, A, Tahsili, Z. (2013). *Iran and International Sanctions*. Majd Publications. [In Persian]
- Walt, S. M. (1987). *The Origins of Alliances*. Ithaca: Cornell University Press.
- Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*. Reading, MA: Addison-Wesley.

Websites

- Batmanghelidj, E. (2023). Understanding Economic Sanctions on Iran: A Survey. The Economists' Voice.
- Etemad Newspaper. (2019). The Most Important Duty Is to Break Sanctions and Isolate Iran, Issue 4591. <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/143249/>
- European External Action Service (EEAS). (2019). The Instrument in Support of Trade Exchanges (INSTEX).
- Farhikhtegan Newspaper. (2024). What Were the Realities of Economic Indicators in the Eleventh and Twelfth Administrations? <http://fdn.ir/192255>.
- Financial Times. (2022). BRICS Expansion and Iran's Role: An Analysis.
- Sadeghi, Sh. (2022). Rouhani and Raisi's Record in Controlling Inflation. Eghtesad Iran Journal, Issue 26602
- The Economic Times. (2022). Iran's Bid to Join BRICS: Opportunities and Challenges. The Supreme Leader's Information Portal, (1395). <https://www.leader.ir/fa/media/play/19329?year=1397&type=0&page=1>
- Torabi, H. (2020). U.S. Sanctions After the JCPOA. Farhikhtegan Newspaper. <https://farhikhtegandaily.com/page/191799/>
- Zarif, M. (2015). ISNA, <https://www.isna.ir/news/94101206218>

